

تأثیر سرمایه اجتماعی بر ساختارها و نهادها در مسیر توسعه کشور

فهمیده قربانی^۱

امیر جباری^۲

چکیده

یکی از جنبه‌های مهم در توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی استفاده از مفهوم سرمایه در وجه اجتماعی آن است. سرمایه اجتماعی از ویژگی خودزایی و خودمولدی برخوردار است، به این معنا که با استفاده مناسب از آن، زمینه برای تولید و تقویت آن فراهم می‌شود. تحقیق حاضر به بررسی سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با حکمرانی خوب و مؤثر بودن نهادها در مسیر توسعه کشور پرداخته است. روش مطالعه، توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای می‌باشد. یکی از نتایج این مطالعه این است که علت ناکامی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه به کیفیت پایین و ساختار افزونه‌محور نهادها مربوط و این پایین بودن کیفیت نهادها نیز به علت پایین بودن سرمایه اجتماعی و حکمرانی ضعیف است. همچنین با استفاده از آمارهای ارائه شده توسط نهادهای بین‌المللی به بررسی رتبه ایران در زمینه‌های سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب پرداخته شده و در نهایت این نتیجه به دست آمد که برای رسیدن به توسعه و موفقیت برنامه‌های توسعه در کشور باید به بهبود محیط نهادی و سازمانی، بهبود رابطه بین نهادها مخصوصاً دولت و مردم، ثبات ساختاری، پاسخ‌گویی مدنی، شفافیت و قابل دسترس بودن اطلاعات مبادرت کرد.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب، نهادها، فرایند توسعه

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان: f_ghorbani@znu.ac.ir

^۲. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد، دانشگاه زنجان: amir_jabbari@znu.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه توسعه به‌عنوان دغدغه اصلی تمامی دولت‌ها شناخته می‌شود. اگر تعریف موجز حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب به‌عنوان پایه و اساس توسعه در نظر گرفته شود. آنگاه تمامی فعالیت‌های حاکمیت‌های سیاسی و دولت‌ها به‌نوعی فرایند توسعه تلقی می‌شود. شاید همین دغدغه مشترک جهانی سبب شده تا نهادهای بین‌المللی به ارائه دیدگاه‌ها و نظریاتی در باب چگونگی فرایند توسعه مطلوب بپردازند.

از عوامل زمینه‌ساز توسعه می‌توان به عوامل اقتصادی و برخی عوامل غیراقتصادی اشاره کرد: جمعیت، منابع طبیعی، تکنولوژی و مدیریت.

در مطالعات مختلف انجام‌شده در زمینه توسعه، ملاحظه می‌شود همه‌ی عوامل زمینه‌ساز توسعه به‌تنهایی قادر به ایجاد توسعه نمی‌باشند بلکه باید عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، سیاست‌های دولت، نظام‌های حقوقی و غیره شکل‌دهنده محیط‌های اقتصادی برای تولید و تجارت و هماهنگ‌کننده عوامل زمینه‌ساز توسعه وجود داشته باشند. اگر ساختار یک اقتصاد، سرمایه‌گذاری و تولید را تشویق کند، موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. اگر کارآفرینان نتوانند نسبت به دریافت بازده سرمایه‌گذاری خود مطمئن باشند، سرمایه‌گذاری نخواهند کرد. این امر برای سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های فیزیکی، مهارت یا فناوری صادق است. عواملی نظیر سلب مالکیت، فساد اقتصادی و اداری، انحصار، ناامنی و بی‌ثباتی، انگیزه برای سرمایه‌گذاری و تولید را کاهش داده و موجب افت بهره‌وری عوامل تولید می‌شوند. در این زمینه به‌منظور مقایسه کشورمان با سایر کشورها به لحاظ ساختار نهادی از مجموعه شاخص‌هایی که از مراجع معتبر نظیر موسسه فریزر^۱، و موسسه بین‌المللی شفافیت^۲، موسسه EIU^۳، موسسه لگاتوم^۴ و موسسه گالوپ^۵ گرفته‌شده استفاده می‌شود که عبارتند از: ثبات سیاسی، کارآیی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت قوانین، ساختار حقوقی و امنیت حقوق مالکیت (شاخص فریزر)، فساد سیاسی و اداری.

به دلیل اهمیت موضوع نهادها و تأثیری که در تکامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور دارند، به بررسی ساختار نهادها و اهمیت آن مخصوصاً در کشورهای درحال توسعه و کشورهای دارای منابع نفتی از جمله ایران پرداخته شده است.

چراکه کشور ما در سال‌های اخیر (سال‌های بعد از جنگ) به‌رغم برخورداری از همه عوامل زمینه‌ساز توسعه که قبلاً بیان شد (مخصوصاً نفت)، با کندی فرایند توسعه و شکست سیاست‌های اتخاذی توسط دولت مواجه شده است.

سؤالات اساسی که در این زمینه وجود دارد این است که :

^۱ Fraser institution

^۲ Transparency international

^۳ Economic intelligence unit

^۴ Legatum institute

^۵ Gallup institute

- آیا سرمایه اجتماعی در جوامع، مشابه و در فرایند توسعه اهمیت دارد؟
 - آیا اختلاف در توسعه یافتگی با میزان سرمایه اجتماعی مرتبط است؟
 - آیا کاهش سرمایه اجتماعی در ایران با شکست سیاست‌های اقتصادی آن مرتبط است؟
- به این منظور در بخش اول مقاله، به بررسی ادبیات موضوع و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه و در قسمت دوم به تبیین موضوع تحقیق پرداخته می‌شود و در نهایت با ارائه آمار و ارقامی، یافته‌های حاصل از تحقیق بیان می‌شود و سپس این مقاله با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها به پایان می‌رسد.

۲. پیشینه تحقیق

در بسیاری از مطالعات انجام‌شده به این نکته اشاره شده است که رابطه بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب یک رابطه دوطرفه است یعنی افزایش سرمایه اجتماعی زمینه‌ساز عملکرد حکمرانی خوب است و حکمرانی خوب نیز باعث افزایش و انباشت سرمایه اجتماعی می‌شود. با این وجود، تا وقتی سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالا نباشد زمینه‌ها و شرایط مناسب برای عملی شدن حکمرانی خوب وجود ندارد.

با توجه به اهمیت توسعه و پذیرش نظریه حکمرانی خوب به‌عنوان یک مدل ایده آل توسعه پایدار دامنه گسترده‌ای از ادبیات پژوهشی در این حوزه در ایران و جهان شکل گرفته که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱-۲ مطالعات خارجی:

نام محقق	نتایج
بانک جهانی (۱۹۹۲)	بر جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی حکمرانی از قبیل تخصیص کارآمد منابع، رفع فقر، رشد اقتصادی، ایجاد اداره امور دولتی کارا و اثربخش، ریشه‌کنی فساد تأکید نموده‌اند. (به نقل از جاسبی و همکاران، ۱۳۸۸)
پاتنام (۱۹۹۳)	نتایج نشان داد که تفاوت در سطح سرمایه اجتماعی موجب این تفاوت است. در واقع تفاوت سطح سرمایه اجتماعی انباشته‌شده در این ایالات، عامل اصلی تفاوت در درجه توسعه‌یافتگی در این ایالات است.
کلمن (۱۹۹۴)	سرمایه اجتماعی را منبعی برای جامعه می‌داند که افراد را به سرمایه‌گذاری در افراد جوان جامعه سوق می‌دهد.
فوکویاما (۱۹۹۵)	تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی‌شان بیش از آنکه به سطح توسعه آنها ربط داشته باشد، به سرمایه اجتماعی‌شان - یعنی میزان اعتمادورزی افراد یک جامعه به یکدیگر و نیز مشارکت آنها در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی - بستگی دارد
نک و کیفر (۱۹۹۷)	دریافتند ۱۰ درصد افزایش در شاخص اعتماد با ۸/۰ درصد افزایش در رشد GDP

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

سالیانه به ازای هر نفر در طول دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۲ مرتبط است و هر ۸ درصد افزایش در همیاری مدنی با افزایش در GDP بیش از یک درصد همراه است.	
آنها در تحلیل خود نتیجه‌گیری نمودند تمام اشکال سرمایه اجتماعی با یکدیگر برابر نیستند و مطمئناً برخی اشکال سرمایه اجتماعی به‌منظور توسعه اقتصادی مناسب‌تر از اشکال دیگر آن می‌باشند. (مؤیدفر و همکاران، ۱۳۸۸)	فدریک و همکاران (۱۹۹۹)
دولت در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد با این حال نه به‌عنوان فراهم‌کننده مستقیم رشد بلکه به‌عنوان یک شریک عامل تسریع و تسهیل‌کننده در روند توسعه.	بانک جهانی (۲۰۰۰)
دریافت یک همبستگی بسیار آماری و مثبت بین اعتماد و سطح سرمایه‌گذاری در ۲۵ کشور عضو OECD هست .	نک (۲۰۰۰)
کشورهایی به سطوح بالاتر اعتماد عملکرد حکومتی مناسب‌تر رونق بیشتر و رشد اقتصادی بیشتر خواهند داشت.	اوسلانر و دکر (۲۰۰۱)
سرمایه اجتماعی بر کیفیت نهادها و حکومت و درنهایت رشد اقتصادی تأثیرگذار است.	بورادستین (۲۰۰۳)
سرمایه اجتماعی از طریق فراهم کردن شرایط نوآوری، موجب رشد درآمدها و رشد و توسعه اقتصادی می‌شود.	ویل (۲۰۰۹)

۲-۲ مطالعات داخلی:

نتایج	نام محقق
در این مطالعه سعی شده تا اهمیت سرمایه اجتماعی در حکمرانی خوب و شکنندگی و آسیب‌پذیری آن در برابر رفتار و اقدامات دولت را برجسته شود.	خضری (۱۳۸۴)
نتایج حاصل بر این نکته تأکید دارد که برخی عادات رفتاری غیرعقلانی در نظام سیاسی ایران ریشه دوانده است، زیرا سیاست‌گذاران ایرانی از پشتوانه درآمد نفت برخوردارند و دغدغه پاسخگویی به مالیات‌دهندگان ندارند و این عادات رفتاری موجب زمین‌گیر شدن نظام اقتصادی ایران شده و از سوی دیگر جامعه را به سوی بی‌هنجاری	رنانی (۱۳۸۵)

سوق داده است.	
در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شوند.	منظور و یادی پور (۱۳۸۷)
در این تحقیق رابطه سرمایه اجتماعی و وضعیت توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه ۵ شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته و رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه‌یافتگی مورد تأیید قرار گرفته است.	نوابخش (۱۳۸۷)
سرمایه اجتماعی فزاینده موجود در روابط کنش‌گران اجتماعی و جامعه مدنی مستحکم، به همراه دولتی مدرن قوی‌تر و توسعه‌خواه، می‌تواند فرایند توسعه همه‌جانبه کشورهای در حال توسعه را به کمترین زمان و آسیب ممکن به پیش ببرند.	عطار (۱۳۸۸)
بین سرمایه اجتماعی و فرایند توسعه در مرحله‌ای که عدم تعادل‌ها، نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد، چگونگی توسعه و برنامه‌های آن در توزیع مفید منابع در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارد.	سیدایی (۱۳۸۸)
این مطالعه نشان داده که توانایی (قابلیت) و تمایل (تشویق) کارکنان، همچنین وجود فرصت‌های به اشتراک‌گذاری سرمایه انسانی آنان می‌تواند هم علت و هم برآمدی از ابعاد ساختاری، رابطه‌ای و شناختی سرمایه اجتماعی - رسمی و غیررسمی موجود در سازمان باشد.	امانیان (۱۳۹۰)

۳. تبیین موضوع تحقیق

اقتصاد نهاد‌گرای جدید، یک مکتب فکری پویا و نسبتاً جدید است که فرصتی عالی برای پاسخ به برخی مسائل اقتصادی که اقتصاد نوکلاسیک پرداختن به آن‌ها را دشوار یافته است، فراهم می‌سازد. اقتصاد نهاد‌گرای جدید، چند رشته‌ای بوده و جنبه‌هایی از اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت، بازرگانی و حقوق را در برمی‌گیرد. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳)

اقتصاد نهاد‌گرای جدید، نقش دولت را در کارکرد مناسب اقتصاد بسیار اساسی می‌داند. به طوری که از یک سو عملکرد خوب بازارها بستگی به نهادهایی دارد که دولت‌ها باید فراهم سازند و از سوی دیگر اگر دولت نیز گرفتار فساد شده و رانت جویی را تشویق نماید می‌تواند زیان‌های جدی بر اقتصاد وارد نماید. اقتصاد نهاد‌گرای جدید، اندازه و نقش

مناسب دولت را تعیین نمی‌کند بلکه نشان می‌دهد که تعامل بین دولت و اقتصاد تا چه حد پیچیده است و ابزارهایی برای درک نقش دولت در موارد خاص ارائه می‌دهد. این دیدگاه برخلاف دیدگاه نوکلاسیکی، سرمایه فیزیکی را برای رشد اقتصادی، نه لازم و نه کافی می‌داند و در مورد بهبود عملکرد کشورهای توسعه‌نیافته نیز اندیشه‌های خوبی ارائه می‌دهد.

طرفداران نهادگرایی معتقدند که نهادها وظایف زیر را انجام می‌دهند: موجب هدایت اطلاعات درباره شرایط بازار، کالاها و مشارکت‌کنندگان در بازار می‌شوند؛ نهادها حقوق مالکیت و قراردادهای را تعریف کرده و تعیین می‌کنند که چه کسی باید چه چیزی را و چه زمانی کسب کند؛ و موجب افزایش یا کاهش هزینه‌های اجتماعی و رقابت در بازارها می‌شوند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳)

اینک کاملاً اثبات شده است دولت برج عاجی نیست که همیشه آنچه را که به نفع ملت و اقتصاد باشد انجام دهد. دولت مثل هر سازمان دیگری از انسان‌هایی تشکیل یافته که با توجه به محدودیت‌ها و نهادهای موجود به دنبال حداکثر کردن منافع خود هستند. در رویکرد جدید، برای انجام اصلاحات، نیاز به مشاوره، اجماع و ائتلاف‌سازی بوده و سیاست‌ها قابل تحمیل از بالا نیستند و باید همه نیروهای اجتماعی را به همکاری فراخواند. جوامع در صورتی در مسیر توسعه قرار می‌گیرند که هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اعضای خود را دائماً به بحث و گفتگو بگذارند، از دگم‌اندیشی و فضای بسته، دوری گزیده و فرایندی طراحی کنند تا قوانین و سنت‌ها بر مبنای نیازهای جامعه و در جهت حرکت به سمت اهداف متعالی، اصلاح و پالایش شوند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳)

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای دارای ذخایر سرشار منابع طبیعی از جمله نفت در زمره کشورهای ثروتمند از لحاظ یکی از منابع بالقوه توسعه هست، بیش از یک سده است که نفت به‌عنوان یک عنصر و سرمایه اساسی در ساختار اقتصادی در جامعه ایران مطرح می‌باشد. در واقع بهتر است این‌طور بیان کرد که اقتصاد ایران و به تبع آن دولت و جامعه ایران به نفت و درآمدهای نفتی وابسته است. در نتیجه نفت به‌عنوان سرمایه اصلی در حوزه اقتصاد نقش مهمی را در تسهیل یا ممانعت از ایجاد یک توسعه پایدار در ایران ایفا می‌کند. اما متأسفانه با نگاهی به تاریخ ایران مشاهده می‌شود که این عامل نه تنها عاملی برای رشد و توسعه نیست بلکه به مانعی برای توسعه تبدیل شده است. (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۹)

پرسش‌هایی که در این قسمت ممکن است به ذهن خطور کند این است که «نفت چگونه به‌عنوان عامل مخرب توسعه در ایران عمل می‌کند؟» و اینکه «چه تفاوتی میان دودسته کشورهای دارای منابع طبیعی غنی وجود دارد که وجود منابع طبیعی در یکی به‌عنوان موتور رشد اقتصادی و عامل توسعه اجتماعی عمل می‌کند و در دیگری به‌عنوان مانعی برای رشد اقتصادی و اجتماعی توسعه محور؟»

با نگاهی اجمالی به این دودسته کشورها مشخص می‌شود که یک تفاوت عمومی در «کیفیت و ساختار نهادی» این کشورها قابل مشاهده است. سؤالاتی که در این زمینه مطرح است این است که «عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده کیفیت و ساختار نهادها چه هستند؟» و «چگونه تقویت و یا تضعیف می‌شوند؟» .

۳-۱ تعریف نهاد

منظور از نهادها ترتیبات رسمی یا غیررسمی، نوشته یا نانوشته، سازمان‌یافته یا سازمان نیافته است که بر رفتار بخشی از جامعه در یک زمینه خاص نظارت دارد. مانند: بانک مرکزی (بر رفتار پولی)، دین (بر اخلاق و اعتقادات)، خانواده (بر رفتار عاطفی و جنسی)، قانون اساسی (بر رفتار سیاسی).

۳-۱-۱ کیفیت نهادی

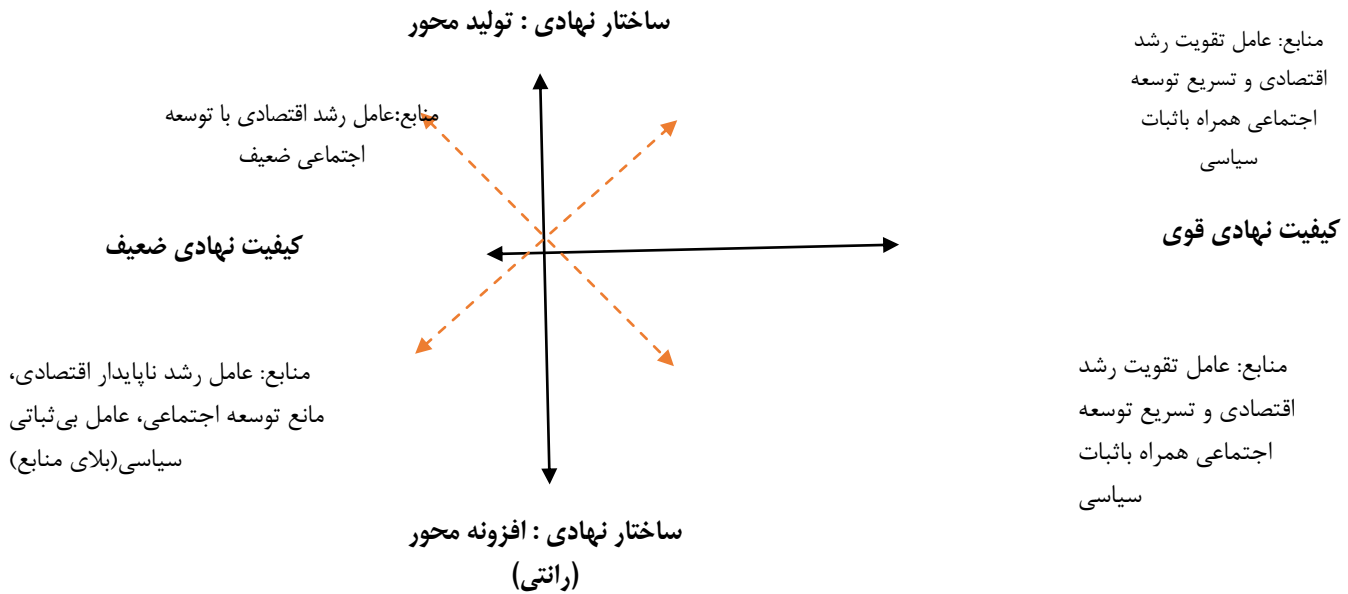
منظور از کیفیت نهادی، قدرت و استحکام نهادهای یک کشور است. صرف‌نظر از این‌که نهادهای یک کشور، با معیارهای امروزی جهان، تا چه حد توسعه‌یافته یا عادلانه و انسانی باشند، کیفیت نهادی یک کشور بیانگر قدرت، سازگاری و استحکام نهادهاست. ممکن است نهادهای یک کشور بسیار سنتی و غیر دموکراتیک باشند اما درعین حال از استحکام و قدرت درونی برخوردار باشند. استحکام نهادی به معنی این است که نهادها در حوزه عمل خود، حاکمیت، نفوذ و قدرت واقعی دارند و این قدرت واقعی با سایر اجزای شبکه نهادی کلان جامعه نیز سازگار است. (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۹)

۳-۱-۲ ساختار نهادی

ساختار نهادی نیز به شکل مناسبات «درون نهادی» و «میان نهادی» جامعه اشاره دارد. صرف‌نظر از کیفیت نهادها، آن‌ها ممکن است ساختاری تولید محور، مکمل و همکاران یا ساختاری رانتی، جانشین و رقیب داشته باشند. ساختار دسته اول نهادها، به‌گونه‌ای است که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برآمده از آن‌ها، فعالیت‌هایی تولیدی و همکارانه هستند که یکدیگر را در فرایند عمل اجتماعی، تکمیل می‌کنند. اما ساختار دسته دوم نهادها، به‌گونه‌ای است که فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن‌ها در جهت «سهم بری» بیشتر از منابع موجود عمل می‌کند.

اکنون می‌توان با توجه به تقسیم‌بندی بالا، وضعیت کشورهای دارای منابع طبیعی غنی را، از نظر نقش منابع طبیعی در شکل‌گیری فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی به چهار طیف تقسیم‌بندی کرد. باید به این نکته اشاره کنیم که از نظر ساختار نهادی، همه اقتصادها دارای و نیازمند دودسته «نهادهای تولیدی» و «افزونه محور» و (رانتی و سهم برانه) هستند. اما مسئله مهم این است که کدام دسته از این نهادها دارای تسلط هستند. اگر نهادهای تولیدی بر نهادهای «افزونه محور» مسلط باشند و نهادهای افزونه محور، مکمل نهادهای تولیدی باشند نه جانشین یا رقیب آن‌ها در این صورت ساختار نهادی آن جامعه ساختاری تولیدمحور است. (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۹)

نمودار ۱-۳ ساختار نهادها



منبع: رنانی، ۱۳۸۹

- با توجه به نمودار بالا چهار طیف کشورهای دارای منابع طبیعی (کیفیت و ساختار نهادها) متصور است:
- ✓ کیفیت نهادی قوی و ساختار تولید محور، در این کشورها منابع عاملی برای تقویت رشد اقتصادی و تسریع توسعه اجتماعی همراه با ثبات سیاسی هستند.
 - ✓ کیفیت نهادی ضعیف و ساختار نهادی تولید محور، منابع عامل رشد اقتصادی با توسعه اجتماعی ضعیف است.
 - ✓ کیفیت نهادی ضعیف و ساختار نهادی افزونه محور (رانتی)، منابع عامل رشد ناپایدار اقتصادی، مانع توسعه اجتماعی، عامل بی ثباتی سیاسی (بلای منابع) است.
 - ✓ کیفیت نهادی قوی و ساختار نهادی افزونه محور، منابع عامل رشد اقتصادی و مانع توسعه اجتماعی است.
- در کشورهای دارای کیفیت نهادی ضعیف، مناسبات میان بخش‌های مختلف جامعه که قدرت‌های اقتصادی و سیاسی را در دست دارند، مناسبات نظام یافته‌ای نیست. از این گذشته چون ساختار نهادی جامعه بر افزونه جویی استوار است، نهادها و بخش‌های مختلف جامعه به جای آنکه همکار و مکمل یکدیگر باشند، به صورت رقیب و جانشین یکدیگر عمل می‌کنند. در این صورت فعالیت نهادهای جامعه در جهت عکس منافع یکدیگر و در واقع در جهت تخریب یکدیگر

قرار می‌گیرد و به همین علت، توسعه اجتماعی به تأخیر می‌افتد. از سوی دیگر، رقابت بر سر کسب سهم بیشتر از منابع و منافع موجود، گروه‌های مختلف را به سوی تسخیر یا نزدیکی به سوی مراجع قدرت سیاسی سوق می‌دهد. همین عدم همکاری نهادها و تلاش آن‌ها برای سهم بری بیشتر از منابع موجود از طریق تلاش برای دسترسی یا نزدیکی به قدرت، در جای خود موجب رقابت مخرب گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت می‌شود که گاهی نیز به جنگ‌های دامنه‌دار داخلی می‌انجامد. بنابراین حاصل این رقابت مخرب چیزی نخواهد بود جز بی‌ثباتی سیاسی و تعویق در شکل‌گیری و نهادینه شدن دموکراسی. تلاش نهادهای مؤثر هر جامعه‌ای برای سهم بری بیشتر از منابع موجب پیدایش ساختار نهادی رانتی (افزونه محور) می‌شود که تأثیرات مخربی بر فضای نهادهای جامعه داشته و موجب تأخیر در فرآیند توسعه می‌شود. (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۹)

در قلمرو سیاسی، شیوه‌های حکومت و سیاست ورزی در دنیای امروز به گونه‌ای است که اعتماد شهروندان به حاکمان و نظام سیاسی را ضروری ساخته است. دوزوونه معتقد است اجتماع به معنای «نهادمند ساختن اعتماد» است و کارکرد بایسته اقتدارهای همگانی همان افزودن اعتماد متقابل، در دل کل جامعه است. دال بر این نظر است که به سه دلیل، اعتماد دموکراسی را تسهیل می‌کند و بی‌اعتمادی استبداد را. نخست اینکه اعتماد ارتباط متقابل را که برای رژیم دموکراتیک حیاتی است، افزایش می‌دهد؛ دوم اینکه امکان ایجاد سازمان‌هایی را فراهم می‌کند که شهروندان به واسطه آن‌ها به اهداف خود دست می‌یابند و سوم تضادها، تهدیدآمیزند و بنابراین دموکراسی در بین افرادی که به هم اعتماد ندارند، به مخاطره می‌افتد. چه عواملی تعیین‌کننده اعتماد مردم به نهادهای حکومتی هستند؟ (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳)

یکی از جنبه‌های مهم در توسعه پایدار اجتماعی استفاده از مفهوم سرمایه در وجه اجتماعی آن است. هرچند واژه سرمایه اساساً در قلمرو اقتصادی به کار گرفته می‌شود، اما از حدود دو دهه گذشته در قلمرو اجتماعی مورد پذیرش رو به فزاینده‌ای قرار گرفته است و در حال حاضر به‌عنوان یکی از موارد مهم در توسعه‌یافتگی مطرح می‌باشد. (مرکز ملی آمایش، ۱۳۸۵) به سه نوع سرمایه‌ای که به‌طور متداول در تحلیل‌های اقتصادی تحت عناوین سرمایه فیزیکی یا تولید، سرمایه طبیعی و سرمایه انسانی از آن‌ها نام برده می‌شود، اکنون نوع چهارمی با عنوان سرمایه اجتماعی اضافه شده است. (سراج‌الدین، ۱۹۹۶) به‌طور معمول، آنچه توسعه و رشد اقتصادی بر پایه آن بنا شده، شامل سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی یا تولیدی و سرمایه انسانی است که به‌عنوان ثروت یک ملت شناخته می‌شود. این مسئله به‌تازگی معلوم شده است که این سه نوع سرمایه، فقط بخشی از فرایند رشد اقتصادی را تعیین می‌کنند؛ چراکه این‌ها از راهی که بازیگران اقتصادی با یکدیگر تعامل می‌کنند و به یکدیگر نظم می‌بخشند تا رشد و توسعه را فراهم آورند، چشم می‌پوشند. پس برای بررسی اختلاف میان کشورهایی که از نظر آن سه دسته سرمایه، دارای وضعیت یکسانی هستند، باید در پی حلقه‌ای دیگر بود؛ آن حلقه مفقوده سرمایه اجتماعی است. (شارع پور، ۱۳۸۵)

۲-۳ مفهوم سرمایه اجتماعی

در سال‌های اخیر مطالعات وسیع به‌وسیله دانشمندان و محققان مختلف از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان تا متخصصان علوم سیاسی، سیاست‌گذاران و غیره در ارتباط با سرمایه اجتماعی صورت گرفته و نظریه‌پردازان و

صاحب‌نظران مختلف تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. مطرح‌ترین اندیشمندان این حوزه را می‌توان پیربورديو^۱، جیمز کلمن^۲، رابرت پاتنام^۳ و فرانسیس فوکویاما^۴ برشمرد. اگرچه تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی مطرح شده اما آنچه از مجموعه این تعاریف برداشت می‌شود این است که سرمایه اجتماعی دربردارنده مضامینی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین افراد در گروه‌ها (در سطح خرد) و روابط بین حاکمان دولتی و مردم (در سطح کلان) است که پیگیری اهداف مشترک را تسهیل می‌کند. در جدول زیر تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی ارائه شده است:

جدول ۱-۳: تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی

اندیشمندان	تعاریف سرمایه اجتماعی
بورديو	حاصل جمع منابع اجتماعی که تحت شرایط معینی قابل تغییر است.
پورت	توانایی بازیگران برای تأمین منافع توسط عضویت در شبکه‌های اجتماعی
کلمن	سرمای اجتماعی توسط کار ویژه‌هایش تعریف می‌شود. این مفهوم عنصری مجرد نیست، بلکه از عناصر متعددی تشکیل می‌شود که دارای دو ویژگی مهم است: (۱) شامل برخی جنبه‌های ساختار اجتماعی است؛ (۲) به رفتارهای افرادی که در درون این ساختارها قرار دارند جهت می‌دهند.
فوکویاما	توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر در درون گروه‌ها و سازمان‌ها به‌منظور رسیدن به اهداف مشترک.
پاتنام	ویژگی‌هایی که همکاری افراد برای رسیدن به منافع متقابل را تسهیل می‌بخشد.
وولکاک	اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابلی که در روابط اجتماعی انسان‌ها ماندگار است.

منبع: یافته‌های تحقیق

^۱ Pierre Bourdieu

^۲ James Coleman

^۳ Robert Putnam

^۴ Francis Fukuyama

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱-۲-۳ سطوح سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در سه سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- در سطح خرد، ارتباط فرد به فرد که به آن سرمایه اجتماعی آوندی می‌گویند. (روابط افراد در خانواده، دوستان و خویشان)
- در سطح گروه‌ها، که به رابطه افراد در گروه‌ها اشاره می‌کند و اعتمادی که بین آن‌هاست. مثل احزاب و انجمن‌ها که به آن سرمایه اجتماعی هموندی می‌گویند.
- در سطح کلان و کل جامعه و رابطه بین افراد جامعه و دولت و حکمرانان را بیان می‌کند که به سرمایه اجتماعی پیوندی معروف است. (حسینی و همکاران، ۱۳۸۵)

۲-۲-۳ شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

- به دلیل اینکه سرمایه اجتماعی یک مفهوم کیفی است، یکی از بزرگ‌ترین کاستی‌های آن، فقدان اجماع درباره نحوه اندازه‌گیری آن است. معمولاً برای سنجش سرمایه اجتماعی از دو روش استفاده می‌شود:
- در روش اول از شاخص‌هایی مثل اعتماد، مشارکت، همیاری و تعهد استفاده می‌شود، در این روش با تدوین پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات اقدام می‌کنند.
 - در روش دوم که به روش جایگزین فوکویاما معروف است، از اطلاعاتی مانند نرخ خودکشی، افزایش نرخ بزهکاری، افزایش نرخ رشد فساد در مقامات، حجم پرونده‌های قضایی، رشوه‌گیری و فساد اجتماعی برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود.
- یکی از نمودهای عملی سرمایه اجتماعی بالا در هر جامعه‌ای حکمرانی خوب است. نظریه حکمرانی خوب که در شرایط سرمایه اجتماعی بالا امکان‌پذیر است، درصدد است تا رابطه‌ای مناسب و صحیح بین حکومت و شهروندان برقرار سازد تا بتوان باهم افزایشی دو گروه به رفاه اقتصادی و اجتماعی دست‌یافت. در واقع حکمرانی خوب بیان‌کننده وجود سرمایه اجتماعی پیوندی در جامعه است.

۳-۳ مفهوم حکمرانی خوب

- پیچیدگی حکمرانی، ارائه یک تعریف ساده از آن را مشکل می‌سازد. مفهوم «حکمرانی» واژه‌ای جدید نبوده و عمری به درازای تمدن بشر دارد.

جدول ۲-۳: تعاریف مختلف از حکمرانی خوب

نام محقق	تعریف
قلی پور، ۱۳۸۷	نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند.
میدری، ۱۳۸۳	حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری
شریف‌زاده، ۱۳۸۲	راهکارها و فرایندها و نهادهایی که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا، تعهداتشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند.
دباغ، ۱۳۸۸	بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش ویژگی تعریف می‌کند: "صدا و پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد
شریف‌زاده، ۱۳۸۲	در تعریف دیگری تمرکز اصلی بر شیوه عمل بازیگران رسمی و غیررسمی است که بر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند.
رزمی، ۱۳۹۱	تعریف بعدی به مهم‌ترین و کلی‌ترین خصلت نظریه حکمرانی خوب می‌پردازد. در واقع این تعریف بر مبنای همکاری، مشارکت و تعامل سه بخش اصلی جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی اقتصاد و جامعه مدنی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا تأکید دارد. در واقع در حکمرانی خوب این سه رکن به‌عنوان عناصر اصلی محسوب می‌شود. بر این اساس حکمرانی خوب ایجاد نوعی تعادل ساختاری میان بخش‌های جامعه است.

منبع: یافته‌های تحقیق

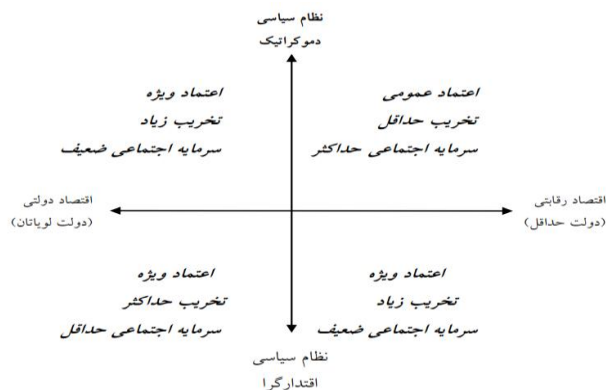
ادعای نظریه حکمرانی این است که رابطه نادرست میان شهروندان و حکومت‌کنندگان از موانع اصلی توسعه‌نیافتگی اقتصادی است. به‌طور مثال رئیس‌جمهور که منتخب و کارگزار مردم است بایستی در برابر خواسته‌ها و انتظارات مردم یا نمایندگان مردم، بر اساس قانون اساسی که یک نوع قرارداد اجتماعی است پاسخگو باشد. پس از رئیس‌جمهور در سطح دوم هرم قدرت، وزرا قرار می‌گیرند که به نمایندگی از رئیس‌جمهور اجرای قوانین و سیاست‌ها را

بر عهده دارند. به همین ترتیب در پایین‌ترین سطح هرم اعمال قدرت، مأموران دولتی هستند که نمایندگی مردم در این سلسله‌مراتب در نهایت به آن‌ها تفویض می‌شود. بدین ترتیب اعمال قدرت مردم از طریق این سلسله‌مراتب نمایندگی و حساسیت مأموران دولتی به نیازها و منافع مردم، کیفیت حکمرانی را مشخص می‌کند. وجود فساد در سطوح مختلف هرم قدرت، نشانه‌ای از حکمرانی ضعیف بوده و حاکمیت قانون و پاسخگویی به مردم حکایت از حکمرانی خوب دارد. نشانه حکمرانی خوب، عدم سوءاستفاده از قدرت عمومی و نبود فساد است. حکمرانی خوب احترام به اصول مردم‌سالاری است که حق اظهارنظر و حق انتخاب مردم را گسترش داده و پاسخگویی دولت را افزایش می‌دهد. حکمرانی بد یا ضعیف منجر به رشد کندتر، خدمات عمومی ناکارآمد و از دست رفتن فرصت‌ها می‌شود چراکه مشارکت شهروندان در شکل دادن به تصمیمات و اجرای صحیح آن‌ها محدود است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳)

در سال‌های بعد از انقلاب، از سویی کنترل دولتی تأمین اجتماعی می‌تواند به گونه‌ای غیرمستقیم بر سرمایه اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد. می‌توان انتظار داشت که این مسئله به‌ویژه در شرایطی که اطلاعات، به دلیل سانسور، شفاف و قابل دسترس نیست سبب می‌شود که دولت و نظام‌های اداری یا پاسخگو نباشند یا دچار فساد شوند که کاهش اعتماد را در پی دارد. (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸)

در نهایت می‌توان رابطه بین سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و نهادهای سیاسی و اقتصادی را با نمودار زیر نمایش داد:

نمودار ۳-۲ تأثیر نهاد دولت بر سرمایه اجتماعی



منبع:رنانی، ۱۳۸۹.

۴. یافته‌های تحقیق

نتیجه بحث بخش‌های قبلی این شد که سرمایه اجتماعی بالا در سطح جامعه و در سطح کلان باعث افزایش اعتماد و تعهد و پاسخگویی حاکمان به مردم می‌شود که این خود در مقابل باعث افزایش اعتماد مردم و در نتیجه همکاری و مشارکت آن‌ها در امور کشور می‌شود. همچنین بیان شد که سرمایه اجتماعی بالا در نهادهای کشور با عنوان حکمرانی خوب مطرح می‌شود و این حکمرانی خوب به معنای ارتباط مؤثر در سطح کلان و نبود فساد و پاسخگو بودن نهادها در

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مقابل مردم است و در صورت وجود این شاخص در سطح نهادها، آن‌ها به صورت مؤثر و کارا عمل کرده و به نوبه خود مسیر توسعه کشور را تسهیل می‌کنند. در این قسمت با استفاده از گزارش‌ها و داده‌های ارائه شده توسط نهادها و سازمان‌های بین‌المللی سعی شده است روند تغییرات سرمایه اجتماعی (حکمرانی خوب) و فرآیند توسعه در ایران را با کشورهای توسعه یافته و کشورهای منطقه مقایسه کرده و به بیان علل اختلافات بپردازیم:

✓ شماری از اقتصاددانان «واحد اطلاعات اقتصادی (EIU)» بر اساس درآمد سرانه و هزینه‌های سبد خانوار، سطح دسترسی به کالاها و خدمات مناسب و باکیفیت و خدمات بهداشت و درمان ۱۱۰ کشور جهان را برای سال ۲۰۱۳ رتبه‌بندی کرده‌اند:

جدول ۴-۱: رتبه‌بندی موسسه EIU بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی

رتبه	نام کشور	شاخص
۱	ایرلند	۸/۳۳
۲	سوئیس	۸/۰۶
۳	نروژ	۸/۰۵۱
۴	لوکزامبورگ	۸/۰۱۵
۵	سوئد	۷/۹۳۷
...
۱۳	آمریکا	۷/۶۱۵
۸۷	ایران	۵/۳۴۳
۱۱۰	زیمبابوه	۳/۸۴۲

منبع: موسسه EIU

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این رتبه‌بندی ایران بین ۱۱۰ کشور، در رتبه ۸۷ قرار گرفته است که نشان‌دهنده ضعف شاخص‌های توسعه در ایران است.

✓ موسسه لگاتوم، از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون، به ارزیابی رفاه کشورهای جهان و رتبه‌بندی آن‌ها می‌پردازد. شاخص رفاه لگاتوم ۱۴۲ کشور در پنج منطقه (آمریکا، اروپا، منا (خاورمیانه و شمال آفریقا)، آسیا - اقیانوسیه، و آفریقای سیاه) را با هشت زیر شاخص کلی و ۸۹ متغیر خرد مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری رفاه به شرح زیر می‌باشد:

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

اقتصاد، کارآفرینی و فرصت، حکمروایی (حکمرانی خوب)، آموزش و بهداشت، ایمنی و امنیت، آزادی. بر مبنای شاخص رفاهی لگاتوم (۲۰۱۱) ایران در گروه کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین قرار دارد. بر مبنای این برآورد:

- از هر ۱۰ نفر در ایران، تنها یک نفر به دیگران اعتماد دارند؛
- ۳۶ درصد از افراد در امور خیریه مشارکت دارد که بالاتر از میانگین جهانی است؛
- ۳۹ درصد تمایل به کمک به افراد غریبه دارند (رتبه ۸۷)؛
- کمتر از ۱۲ درصد تمایل به همکاری در امور داوطلبانه دارند (رتبه ۸۱)؛
- ۶۳ درصد می‌توانند روی خانواده و دوستان هنگام نیاز به کمک حساب باز کنند (رتبه ۱۰۵)؛
- ۵۷ درصد از متأهلان به شبکه اجتماعی دسترسی دارند (بالاتر از میانگین جهانی)؛

جدول ۴-۲- رتبه ایران در ۸ زیر شاخص از میان ۱۴۲ کشور

رتبه					زیر شاخص	
۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	سال	
۱۱۴	۹۱	۷۰	۷۶	۷۸	اقتصاد	۱
۹۳	۹۳	۹۵	۸۸	۸۶	کارآفرینی و فرصت	۲
۱۲۰	۱۲۰	۱۲۶	۱۰۷	۱۰۵	حکمروایی	۳
۵۷	۵۷	۵۷	۶۴	۵۷	آموزش	۴
۶۷	۶۷	۶۶	۶۱	۶۰	بهداشت	۵
۱۲۶	۱۲۳	۱۲۵	۱۰۰	۹۹	امنیت و آسایش	۶
۱۲۸	۱۲۶	۱۲۵	۱۰۷	۱۰۸	آزادی فردی	۷
۱۱۱	۱۲۰	۱۲۱	۱۰۷	۱۰۶	سرمایه اجتماعی	۸

منبع: موسسه لگاتوم

با بررسی آمار و ارقام جدول فوق که توسط موسسه لگاتوم منتشر شده درمی‌یابیم که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ در اکثر شاخص‌های رفاهی از جمله اقتصاد، حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، آزادی‌ها، و کارآفرینی رتبه ایران در سطح جهانی بدتر شده است. همان‌طور که از داده‌های جدول بالا می‌توان دریافت رتبه ایران از لحاظ شاخص‌هایی مثل کارآفرینی،

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آموزش، بهداشت، امنیت و آسایش و آزادی فردی نیز که از شاخص‌های توسعه پایدار محسوب می‌شوند، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ بدتر شده است.

جدول ۴-۳- رتبه کشورهای منا در شاخص لگاتوم در سال ۲۰۱۳

رتبه	کشور	
۲۸	امارات	۱
۳۳	کویت	۲
۵۰	عربستان سعودی	۳
۸۲	مراکش	۴
۸۷	ترکیه	۵
۸۸	اردن	۶
۹۱	تونس	۷
۹۸	لبنان	۸
۹۹	الجزیره	۹
۱۰۱	ایران	۱۰
۱۰۸	مصر	۱۱
۱۲۲	سوریه	۱۲
۱۳۰	عراق	۱۳
۱۳۶	یمن	۱۴
۱۳۹	افغانستان	۱۵

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

منبع: موسسه لگاتوم

✓ یکی از نشانه‌های حکمرانی خوب نبود فساد اداری است که بر اساس گزارش سال ۲۰۰۹ سازمان جهانی شفافیت، کشور نیوزیلند در رتبه نخست این شاخص قرار دارد (بهترین است) کشورهای دانمارک و سنگاپور به ترتیب بعد از نیوزیلند قرار دارد در این بررسی که در بین ۱۸۰ کشور جهان انجام شده است رتبه برخی دیگر از کشورها به این شرح است:

کانادا ۸ - آلمان ۱۴ - ژاپن ۱۷ - آمریکا ۱۹ - قطر ۲۲ - امارات ۳۰ - عمان ۳۹ - چین ۷۹ - برمه ۱۷۸ - افغانستان ۱۷۹ - سومالی ۱۸۰

رتبه ایران در این رده‌بندی ۱۶۸ ام می‌باشد. که نشان‌دهنده وضعیت نابسامان در نهادها و ساختارهای نهادی ایران است.

طبق گزارش‌های سازمان شفافیت بین‌المللی، در سال ۲۰۰۵ میلادی رتبه ایران در شاخص فساد مالی برابر با ۹۳ بود که این رتبه یک سال بعد یعنی ۲۰۰۶ به ۱۱۳، در سال ۲۰۰۷ به ۱۳۱ و در سال ۲۰۰۸ به ۱۴۱ رسید. رتبه جهانی ایران از لحاظ فساد مالی در سال ۲۰۰۹ افزایش قابل‌ملاحظه‌ای کرد و به ۱۶۸ رسید اما در سال ۲۰۱۰ اندکی کاهش یافت و در جایگاه ۱۴۶ قرار گرفت. این رتبه در سال ۲۰۱۱ برابر با ۱۲۰، در سال ۲۰۱۲ نیز ۱۳۳ و در نهایت در سال ۲۰۱۳ در میان ۱۷۷ کشور دنیا، در شاخص فساد مالی رتبه ۱۴۴ را داشته است. که در واقع نشان‌دهنده عدم کارایی نهادهای کشور، ضعف سرمایه اجتماعی و به تبع آن بدتر شدن حکمرانی است.

✓ موسسه کانادایی فریز در جدیدترین گزارش خود در سال ۲۰۱۳ موسوم به «آزادی اقتصادی در جهان» رتبه ایران از لحاظ آزادی اقتصادی را ۱۲۷ عنوان کرد در این گزارش، درجه آزادی اقتصادی کشورها بر اساس ۵ شاخص مهم امتیاز صفر تا ده می‌گیرند که هرچه این امتیاز به ده نزدیک‌تر باشد، آزادی اقتصادی در کشور موردنظر بیشتر است؛ این شاخص‌ها عبارتند از حجم و اندازه دولت، ساختار قانونی و حقوق مالکیت، نقدینگی، آزادی تجارت بین‌المللی و قوانین اعتبارات، بازار کار و تجارت هستند. بر اساس این گزارش، ایران از این لحاظ امتیاز ۶,۰۵ را کسب کرده است و به این ترتیب در میان ۱۵۲ کشور در جایگاه ۱۲۷ قرار گرفته است.

با نگاهی مختصر به آمارهای ارائه شده ملاحظه می‌شود که رتبه ایران در شاخص‌های مختلف توسعه و همچنین سرمایه اجتماعی که توسط مؤسسات مختلف با شاخص‌های متفاوت ارائه گردیده، طی سال‌های اخیر با کاهش مواجه بوده است. با نگاهی به وضعیت توسعه و سیاست‌گذاری در ایران ملاحظه می‌شود که طی همین دوره با شکست برنامه‌های توسعه و سیاست‌گذاری‌ها مواجه بوده است که در ذیل نمونه‌هایی از این شکست‌ها آورده شده است:

- پس از جنگ با آغاز نخستین برنامه پنج‌ساله بحث خصوصی‌سازی مطرح شد که در آن هنگام (۱۳۶۸) حجم دولت حدود ۱/۱۶ درصد کل اقتصاد بود اما وقتی در سال ۸۲ به حجم دولت می‌نگریم می‌بینیم بیش از دو برابر شده است و به ۴/۳۷ درصد رسیده است.

-در فاصله دو سال (۱۳۷۱-۱۳۷۳) نرخ ارز ۲۷ برابر افزایش یافت. طبق نظریه‌ها باید صادرات افزایش و جهش می‌یافت ولی در همین زمان صادرات از ۴/۲۰ به ۸/۱۹ کاهش یافت.

-مثال دیگر سرمایه‌گذاری است، در تمام اقتصادهای دنیا برای افزایش و یا ایجاد اشتغال در اقتصاد می‌توان از روش‌های مختلف سرمایه‌گذاری تشویق کرده و از آن طریق موجب افزایش اشتغال شد ولی در ایران رابطه بین سرمایه‌گذاری و اشتغال گسسته است.

۵. نتیجه‌گیری

شبکه‌های اجتماعی، جریان گردش و مبادله اطلاعات را تسریع و تسهیل می‌کنند و اطلاعات مفیدی در مورد فرصت‌ها و گزینه‌های مختلف در اختیار فرد قرار می‌دهند و هزینه‌ها را به مقدار زیادی در تعاملات اجتماعی کاهش می‌دهند. اگر اعتماد، همدلی و انصاف از سطح خانواده‌ها فراتر نرود، عرضه سرمایه و همچنین حضور مدیران کارآمد در عرصه، محدود خواهد شد، که این امر به نفع بنگاه‌های خصوصی نخواهد بود. اعتماد بالا دارای ارزش اقتصادی است.

با بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه و علل شکست سیاست‌گذاری‌ها در ایران مشخص می‌شود که رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه یک رابطه دوطرفه و خود فزاینده است، می‌توان گفت هرگاه یکی از حلقه‌های این رابطه مختل یا تضعیف شود، کل فرآیند، مختل یا تضعیف می‌شود. برای شکل‌گیری توسعه باید سرمایه اجتماعی تقویت شود و تضعیف فرآیند توسعه نیز سطح سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد.

شرایط امروز ایران به‌گونه‌ای است که از یک‌سو، دارای منابع نفت و گاز فراوان است، بنابراین دولت در ایران به‌طور تاریخی به یک دولت توزیع گر رانت تبدیل شده است. از سوی دیگر شواهد تجربی حاکی از این است که در دو دهه اخیر در ایران، سطح سرمایه اجتماعی رو به کاهش گذاشته است. اینکه به‌رغم تزریق این همه درآمدهای نفتی، اقتصاد ما هنوز درگیر بیکاری مزمن است، می‌توان بیان کرد که به علت تضعیف سرمایه اجتماعی، سرمایه‌های انسانی و اقتصادی نمی‌توانند در مسیر بازدهی و تولیدآوری قرار گیرند. بنابراین هم از این نظر که فعلاً حکومت در ایران از نوع «دولت مردد» است و در حلقه کاهنده سرمایه اجتماعی قرار گرفته است و هم از این نظر که کیفیت و ساختار نهادهای جامعه ایران، ضعیف و افزونه محور است، کشور در مرحله «بلای منابع» گرفتار شده است.

لذا در مجموع، کاهش سرمایه اجتماعی در ایران موجب از دست رفتن «شرایط لازم» برای توسعه اقتصادی شده است. اکنون شرایط ایران به‌گونه‌ای است که سیاست‌های اقتصادی به نتایج مطلوب نمی‌رسند و آنچه از اجرای این سیاست‌ها بر جای می‌ماند هزینه‌های گزافی است که به‌صورت نرخ‌های بالای تورم بر جامعه تحمیل می‌شود. بدون وجود سطح کافی از سرمایه اجتماعی، از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی نتیجه مطلوب گرفته نخواهد شد. بنابراین راه‌حل برون‌رفت بلندمدت ایران از گرفتاری‌های مزمن اقتصادی و اجتماعی تنها در گرو بازسازی سرمایه اجتماعی است. اکنون دولت در ایران در مقابل انتقال طبیعی اقتدار از دولت به‌سوی جامعه مدنی - که ذاتی فرایندهای مدرنیسم است - مقاومت می‌کند. بنابراین به علت عدم تناسب میان اقتدار دولت و جامعه مدنی، شرایط باثبات اعتماد آمیز میان این دو وجود ندارد و درنهایت برای بهبود شرایط و گذر از این مرحله باید به بهبود شرایط نهادی و ساختاری اقدام کرد که این

کار در گرو افزایش سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب است. طبق آمار و ارقام اشاره شده می‌توان گفت که در طی سال‌های اخیر سیر سرمایه اجتماعی در ایران رو به کاهش است یعنی تعاملات در جامعه کاهش یافته که این باعث افزایش هزینه‌های اجتماعی در جامعه می‌شود و در نهایت باعث کندی روند توسعه و شکست سیاست‌های اتخاذی می‌گردد.

با توجه به نتایج مقاله، می‌توان پیشنهادات زیر را بیان کرد:

- خصوصی‌سازی نهادها و واگذاری نهادهای دولتی به بخش خصوصی و ترغیب بیشتر مردم به مشارکت در امور جامعه.
- استقلال بودجه دولتی از پول نفت.
- ایجاد ساختارهای روابط اجتماعی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی که موجب تعهدات و انتظارات متقابل می‌شود و رفتار برخلاف آن تبعاتی را به دنبال دارد.
- لزوم احترام به قانون و ثبات در قانون‌گذاری توسط نهادهای مسئول.
- اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف در مورد مسائل مختلف و لزوم پاسخگویی مسئولین دولتی برای جلب اعتماد افراد جامعه.
- مبارزه با فساد و تبعیض و اصلاح فرهنگ نظام مدیریتی بر پایه عدالت‌خواهی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر.

۶. فهرست منابع

- تنهایی، حسین ابوالحسن و همکاران. (۱۳۸۸). «بررسی نظری پژوهش‌های سرمایه اجتماعی در جامعه ایران». فصلنامه علوم رفتاری. شماره ۳۱. صص ۲۹-۵۲.
- جوادی محمد و همکاران (۱۳۸۸). «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی». فصلنامه علم-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال نهم. شماره ۳۲.
- خضری، محمد. (۱۳۸۴). «دولت و سرمایه اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره اول. صص ۳۱-۵۱.
- خلف خانی، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فساد اداری». فصلنامه راهبرد. شماره ۵۳. صص ۳۹-۵۵.
- رنانی، محسن و مؤیدفر، رزیتا. (۱۳۸۹). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد (سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران). نشر طرح نو. تهران.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۵). کاهش سرمایه اجتماعی و ناکامی سیاست‌های اقتصادی در ایران. مجله آیین. شماره ۶. صص ۱۲-۶.
- زاهدی، محمدجواد. (۱۳۸۷). «رابطه سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی». فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۳۲. صص ۱۱۰-۱۲۹.
- سوری، علی. (۱۳۹۳). «سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. شماره ۶۹. صص ۴۹-۶۴.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

- شعبانی، احمد و سلیمانی، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی آثار فساد اداری بر سرمایه اجتماعی» ماهنامه مهندسی فرهنگی. شماره ۴۷ و ۴۸. صص ۵۶-۶۶.
- شعبانی، احمد و همکاران. (۱۳۹۱). «اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه انسانی: مطالعه کاربردی مناطق ایران». فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. شماره ۲. صص ۱۲۷-۱۶۱.
- صیدایی، سید اسکندر و همکاران. (۱۳۸۸). «دیی‌چ‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران». فصلنامه راهبرد یاس. شماره ۱۹. صص ۱۸۸-۲۲۵.
- عطار، سعید. (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه». فصلنامه سیاست. شماره ۴. صص ۱۴۶-۱۲۹.
- علمی، زهرا. (۱۳۸۵). «رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور». فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۲۶. صص ۵۹-۸۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب». دفتر بررسی‌های اقتصادی. تهران.
- نصیری، مرتضی. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری عمومی». پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. صص ۷۴-۵۸.
- نوابخش، مهرداد و فدوی، جمیله. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری: مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال دوم. شماره اول. صص ۲۵-۴۷.

- Akc- omak, Semih & Weel, Bas ter. (2009). "Social capital, innovation and growth: Evidence from Europe", **European Economic Review**, , 53 ,PP 544-567.

- www.EIU.com

- www.freetheworld.com.

- www.gallup.com

- www.li.com

- www.transparency.org